



اعتقاد علامه جوادی آملی به تحول در علم، مختص به علوم انسانی نیست

آیت‌الله العظمی جوادی آملی با بیان اینکه دیدگاه‌های ایشان در حکمت متعالیه، افق‌هایی را در مسائل علوم انسانی باز می‌کند، گفت: ایشان تحول در علوم انسانی را در ذیل تحول در علم می‌داند که علوم پایه را نیز شامل می‌شود.

شاگرد آیت‌الله العظمی جوادی آملی با بیان اینکه دیدگاه‌های ایشان در حکمت متعالیه، افق‌هایی را در مسائل علوم انسانی باز می‌کند، گفت: ایشان تحول در علوم انسانی را در ذیل تحول در علم می‌داند که علوم پایه را نیز شامل می‌شود.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا، شب گذشته، 4 مردادماه در نشست «تبيين دیدگاه آیت الله العظمی جوادی آملی در مورد تحول علوم انسانی و وجه تمایز آن با سایر دیدگاه‌ها" که در بیست‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار شد، با بیان اینکه آنچه ایشان در مورد علوم انسانی اسلامی بیان می‌کند، اقتضای حکمت و فلسفه اسلامی و رویکرد فلسفه اسلامی به مسئله علم است، گفت: آنچه امروز در جامعه به عنوان تحول علوم انسانی مطرح است، مسئله تاریخی جهان اسلام نبوده و پرسشی به این‌گونه مطرح نشده که متفکرین جهان اسلام با توجه به مبانی و بنیادهای نظری خود به این مسئله پاسخ دهند.

وی افزود: دیدگاه‌های ویژه‌ای که آیت‌الله جوادی آملی در مورد حکمت متعالیه دارد، افق‌های خاصی را در مسائل علوم انسانی باز می‌کند که به حکمت اسلامی به معنای عامش باز نمی‌گردد؛ وقتی علوم انسانی اسلامی یا تحول علوم انسانی مطرح می‌شود، می‌توان آن را از زوایای مختلفی بررسی کرد.

پارسانیا خاطرنشان کرد: علوم انسانی اسلامی علمی است که از منابع نقلی استفاده کند یا عالمانی وقتی وارد مطالعه می‌شوند، علمشان را در راستای اهداف اسلامی به خدمت بگیرند و محیط علمی آن، اسلامی باشد.

وی همچنین اظهار کرد: آنچه در برخی از آثار و گفته‌های آیت‌الله جوادی آملی به عنوان مهم‌ترین مسئله یاد شده، این است که ساختار درونی معرفتی علوم انسانی اسلامی، هویت خاصی پیدا می‌کند؛ نکته مهم‌تر این است که تحول در علوم انسانی را در ذیل يك مسئله دیگر می‌داند که آن تحول در علم است و مختص به علوم انسانی نیست؛ بنابراین علوم پایه را نیز شامل می‌شود.

پارسانیا به رویکرد مقابل دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد و گفت: رویکردی که به طور ابتدایی با این دیدگاه مقابله می‌کند، نگاه به علمی است که طی قرن نوزدهم و بیستم شکل گرفت و يك ساختار ساده و روش واحد جهانی را برای علم در نظر داشت که به ساختاری تاریخ‌مند نبود، اما واقعیات فرهنگی آن تاریخی بود؛ یعنی در ظرف فرهنگ بشری این برهه تحقق پیدا کرد و مورد قبول واقع شد، هرچند خود مدعی بود که تاریخی نیست.

وی با بیان اینکه این دیدگاه پوزیتیویستی علم شناخته می‌شود، ادامه داد: علم يك معرفت روشمند آزمون پذیر است؛ آزمون نیز اثبات، ابطال یا تأیید می‌کند یا با حس و فرضیه شروع می‌شود؛ این سیستم معرفتی نه شرقی و نه غربی است و نه مربوط به قرن خاصی است؛ اگر چنین دیدگاهی مطرح شد، علوم انسانی و اجتماعی نیز به طور عام دانش روش‌مند تجربی است و معرفت‌های دیگری که در حوزه حیات انسانی وجود دارند که تجربی و آزمون‌پذیر نیستند، علم محسوب نمی‌شوند، بلکه انسانیات هستند.

پارسانیا تصریح کرد: اقتضای حکمت اسلامی این است که چنین نظریه‌ای در مورد علم را نمی‌پذیرد، یعنی اینکه حوزه معرفتی مستقلی از سایر حوزه‌های معرفتی بشر باشد و شکل مطلق داشته باشد، مورد قبول نیست؛ همین مسئله در بیانات آیت الله جوادی آملی نیز برجسته می‌شود.

وی افزود: تعبیری که ایشان دارند، بر علوم جزئی تأکید می‌شود، که چه بدانند، چه ندانند، چه بخواهند، چه نخواهند، چه اذعان کنند یا نه، برخی مبادی و اصول موضوعه خود را الزاماً از يك علم دیگری دریافت می‌کنند که آن نیز خصوصاً علم است، البته نه به معنای قرن نوزدهمی آن، بلکه به این معنا که معرفت روشمندی است که کشفی از حقیقت می‌کند، اما الزاماً تجربی نیست و چنین تعریفی در برابر معرفتی است که یا روش ندارد یا اگر دارند، موضوعشان کشف حقیقت نیست، بلکه تصرف در حقیقت و واقعیات می‌کنند.

پارسانیا در مورد علم کلی و متافیزیک نیز گفت: متافیزیک، علم خاصی است که موضعی خاص دارد؛ موضعش فیزیک و طبیعت و آن سوی فیزیک نیست؛ بلکه موضوعش محیط در فیزیک است و فیزیک را نیز در بر می‌گیرد؛ متافیزیک احکام کلی واقعیت است.

وی تصریح کرد: علوم جزئی به حسب هویت خود به عرصه دیگری از معرفت نیازمند است که عرصه دیگر از معرفت غیر از علم نیست و به انتخاب جامعه علمی واگذار نشده و اراده انسان در آن تصمیم‌گیرنده نیست؛ همچنین علوم جزئی بسته به اینکه مبادی خود را از کجا گرفته باشند، هویتشان عوض می‌شود؛ اگر این مبادی درست باشد، ساختار علم جزئی نیز درست خواهد بود، اما اگر چنین نباشد، گرفتار خطای سیستماتیک می‌شود.

پارسانیا با بیان این‌که در نگاه متافیزیکی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، گفت: اگر کسی با متافیزیک توحیدی وارد عرصه شناخت عالم شود، اصولی که از این متافیزیک در علوم جزئی دارد، در هویتش تأثیرگذار خواهد بود و رنگ آن را خواهد گرفت.